

Medical Ethics and Law
Research Center

Faṣlnāmah-i akhlāq-i pizishkī i.e., Quarterly Journal of Medical Ethics

2022; 16(47): e5

Shahid Beheshti
University of Medical Sciences

Explaining the Citizenship Rights of Persons with Disabilities in Iran Based on Human Dignity

Mansoorah Fasih Ramandi¹

1. Department of Institute for the Culture, Art and Communication, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Human dignity is considered the basis of citizenship rights, which people enjoy as human beings. Today, in the light of the principle of human dignity, we have witnessed the emergence of intellectual procedures toward people with disabilities that have been formed based on the rules of citizenship rights. This study aimed to investigate three components of citizenship rights for the persons with disabilities, including the right to equal opportunities, the right to a job, and the right to education as the most effective citizenship rights to maintain the dignity of people with disabilities in Iran.

Methods: This research is a narrative review, and its data collection is a documentary library method from reviewing 20 articles in Persian between 2010 and 2020 in various scientific journals. Furthermore, laws such as the Constitution, the comprehensive law on the protection of the persons with disabilities approved in 2013, the protection of the persons with disabilities approved in 2016, and the laws approved in the field of urban development have been reviewed.

Ethical Considerations: The ethical considerations have been respected at all stages of research, including the study and data collection, documentation, and analysis.

Results: According to the human dignity of the persons with disabilities, the process of formation, legislation, and the monitoring method of the disabled citizens' rights are considered as the support requirements and concerns.

Conclusion: In terms of rights and substantive guarantees of citizenship legal system, the status quo in the legal system of Iran is unable to provide a basis for equalization of opportunities on the right of city and the right to employment for persons with disability, and the desired situation is yet far to reach easily.

Keywords: Citizenship Rights; Disability; Persons with Disabilities; Dignity

Corresponding Author: Mansoorah Fasih Ramandi; **Email:** Fasih@ricac.ac.ir

Received: October 10, 2021; **Accepted:** June 28, 2022; **Published Online:** August 16, 2022

Please cite this article as:

Fasih Ramandi M. Explaining the Citizenship Rights of Persons with Disabilities in Iran Based on Human Dignity. *Faṣlnāmah-i akhlāq-i pizishkī*, i.e., Quarterly Journal of Medical Ethics. 2022; 16(47): e5.



تبیین حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت در ایران بر مبنای کرامت انسانی

منصوره فصیح رامندی^۱

۱. پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کرامت انسانی مبنای حقوق شهروندی محسوب می‌شود که افراد بما هو انسان از آن بهره‌مند هستند. امروزه در پرتو اصل «کرامت انسان»، شاهد ظهور رویه‌ای فکری نسبت به افراد دارای معلولیت هستیم که بر پایه قواعد حقوق شهروندی شکل گرفته است. هدف این مطالعه تدقیق در سه مؤلفه حقوق شهروندی برای معلولان «حق برابری فرصت‌ها، حق برخورداری از شغل و حق آموزش» از دایره گسترده حقوق شهروندی، به عنوان مؤثرترین حقوق شهروندی در جهت حفظ کرامت ذاتی افراد دارای معلولیت، در ایران است.

روش: این پژوهش از نوع مروری است و گردآوری اطلاعات آن با شیوه کتابخانه‌ای اسنادی از مرور ۲۰ مقاله به زبان فارسی، حاصل از پژوهش‌های انجام‌شده در ایران که در دوره‌های ۹۹-۱۳۹۱ در مجلات معتبر علمی پژوهشی داخلی منتشر شده‌اند، به دست آمده و توصیف و تحلیل شده‌اند. همچنین قوانینی همچون قانون اساسی، جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳، حمایت از معلولان مصوب ۱۳۹۶ و قوانین مصوب در حوزه مناسب‌سازی شهری بررسی شده است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل پژوهش اعم از مطالعه و گردآوری داده‌ها، مستندسازی و تحلیل و نشر آن‌ها ملاحظات اخلاقی رعایت شده است.

یافته‌ها: بر مبنای کرامت انسانی افراد دارای معلولیت، فرایند شکل‌گیری، قانونگذاری و نحوه نظارت بر اجرای حقوق شهروندان معلول از دغدغه‌ها و الزام‌های حمایتی تلقی می‌شود.

نتیجه‌گیری: به لحاظ حق‌ها و تضمینات ماهوی نظام حقوقی شهروندی، وضعیت موجود در نظام حقوقی ایران نمی‌تواند زمینه برابرسازی فرصت‌ها در حق بر شهر، حق بر اشتغال و حق بر آموزش را برای معلولان فراهم کند و تا رسیدن به وضعیت مطلوب، فاصله زیادی وجود دارد.

واژگان کلیدی: معلولیت؛ شهروندی؛ حقوق معلولان؛ حقوق شهروندی؛ کرامت

نویسنده مسئول: منصوره فصیح رامندی؛ پست الکترونیک: Fasih@ricac.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Fasih Ramandi M. Explaining the Citizenship Rights of Persons with Disabilities in Iran Based on Human Dignity. Faşlnāmah-i akhlāq-i pizishkī, i.e., Quarterly Journal of Medical Ethics. 2022; 16(47): e5.

مقدمه

در دایره کرامت انسانی، حقوق شهروندی از موضوعات اساسی مرتبط با زندگی اجتماعی انسان‌ها در عصر مدرن است. تحولات تاریخی و نوسانات زندگی اجتماعی بشر و روابط افراد با دولت‌ها و دولتمردان به نقطه‌ای انجامید که ضرورت وجود قواعدی برای تأمین شرایط مناسب زندگی افراد جامعه، احساس شد. ویژگی‌های خاص زندگی نوین، همراه با پیچیدگی‌های آن اقتضا کرد که اصول پیشرفته‌ای به طور جامع و کامل پاسخگوی نیاز بشر در این عرصه و حمایتگر افراد جامعه در برابر طبقه حاکم باشد (۱).

با این وصف، حقوق شهروندی جزء لاینفک جامعه مدنی و مبنای تشکیل آن به شمار می‌رود، زیرا امکان مشارکت داوطلبانه همه افراد را در تمام عرصه‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. بنابراین در گذر از جوامع سنتی به مدرن تغییراتی به منظور تحقق حقوق شهروندی در سطح فردی و ساختاری پدید می‌آید. در این رویکرد، کرامت انسانی افراد، مقتضی وجود قواعدی برای تعیین استانداردهای قابل قبول در جهت تأمین شرایط مناسب و روابط دولت و طبقه حاکم با شهروندان است (۲).

در این میان به ویژه با تکیه بر اصل کرامت انسان، توجه به حقوق شهروندی آن دسته از افراد که دچار نقص‌ها، محرومیت‌ها یا مشکل‌های خاصی بوده و به دلایل گوناگون به حمایت‌های مضاعف نیازمند هستند در فرایندی نتیجه‌محور بر کیفیت ارائه خدمات عمومی در جامعه از سوی دولت و سنجش سطح حکمرانی خوب در سیستم حکومتی تأثیر مستقیم دارد. در سال‌های اخیر، با توجه به گسترش گفتمان جدید شهروندی که نسبت به گروه‌هایی با نیازهای خاص، از جمله معلولان، مورد توجه قرار گرفته است، قوانین متعددی برای مقابله با تبعیض علیه معلولان به تصویب نهادهای بین‌المللی و ملی رسیده که از آن میان می‌توان به کنوانسیون حمایت از حقوق افراد معلول مصوب سال ۲۰۰۶ توسط سازمان ملل متحد و قانون جامع حمایت از معلولان در ایران، مصوب ۱۳۸۳ و قانون حمایت از حقوق معلولان مصوب

۱۳۹۶، اشاره کرد (۳). از آنجا که ابزارهای اجرایی این قوانین ضعیف هستند کماکان برخورداری افراد دارای معلولیت از حقوق خود، نسبت به دیگر افراد جامعه دارای کمبودها و خلأهای فراوانی است. اگر گزاره شهروندی را یک واقعیت و پدیده اجتماعی بدانیم، موقعیت شهروند بر حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده برای مشارکت فعالانه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دلالت دارد. با این نگرش، دارا بودن معلولیت - که ثمره ارتباط متقابل بین فرد دارای نقص و ناتوانی از یکسو و ویژگی‌ها و شرایط محیط زندگی اجتماعی او از دیگرسو است - فرد دارای معلولیت را به عنوان کسی که وجودش نمایانگر یک مشکل در شهروندی کامل است، می‌نمایاند و این نوع نگرش، آسیب مهمی به جایگاه او در سطح جامعه وارد می‌سازد و اسباب طرد اجتماعی‌اش را فراهم می‌آورد. در حقیقت نحوه اداره جامعه با این سیاق سبب به حاشیه‌رانده شدن افراد دارای معلولیت می‌شود و این امر نمونه روشنی از جداسازی و اعمال تبعیض علیه افراد دارای معلولیت و نقض کرامت ذاتی انسان، به شمار می‌رود، در حالی که معلولان برای زندگی همچون سایر افراد جامعه، حقوق مشابه دارند و هیچ‌گونه استثنایی نباید دامنگیر تحقق حقوق شهروندی آن‌ها شود، حقوقی مانند بهره‌مندی از آموزش، فرصت‌های شغلی، حق داشتن زندگی خصوصی و خانوادگی، دسترسی به خدمات بهداشتی و اجتماعی، حمل و نقل، دسترسی به اطلاعات و برخورداری از زندگی اجتماعی، برخورداری از امکانات ورزشی.

با این رویکرد، ترسیم ساختار حمایتی از معلولان در چارچوب شاخص‌هایی همچون برابری و عدالت بر مبنای کرامت انسانی، در ساختار حقوق شهروندی قابل تصور است. در عین اینکه مطالعات پژوهشی حول محور حقوق معلولان، می‌توانند در تسریع و تسهیل ارتقای سازوکارهای حمایتی از این قشر آسیب‌پذیر اجتماعی، بسیار مفید و مؤثر باشد. این مقاله در نظر دارد تا با بررسی قوانین حمایتی موجود، نگاهی به وضعیت احقاق حقوق شهروندی معلولان بر مبنای اصل کرامت انسانی، داشته باشد. پرسش اصلی مقاله چنین است، اقدام‌های حمایتی و تضمین‌های قانونی نسبت به حقوق

یافته‌ها

۱. **چارچوب نظری:** سه مدل اساسی: ۱- مدل پزشکی؛ ۲- مدل اجتماعی؛ ۳- مدل شهروندی، برای بررسی معلولیت وجود دارد. در مدل پزشکی معلولیت یک عارضه شخصی محسوب می‌شود که از بیماری و یا نقص ژنتیکی ناشی می‌شود. در واقع این فرد متخصص و حرفه‌ای است که تعیین می‌کند چه کسی معلول و یا غیر از آن است. از این منظر معلول عضو منفعل جامعه است که همراه با دیگر معلولین به نوعی از جامعه جدا نگه داشته شده است. همچنین جامعه، معلول را فردی ناکارآمد و ناقص تلقی می‌کند که نمی‌توان از او انتظار زیادی داشت. هسته مرکزی این مدل درمان و دستیابی به سلامت قرار گرفته است و در سطح سیاسی و برنامه‌ریزی تنها به سیاست‌های درمانی توجه دارد. این رویکرد تا قبل از دهه ۱۹۸۰ مسلط بوده است. پس از این دوران مدل فوق از سوی صاحب‌نظران مورد نقد قرار گرفته است. به عنوان مثال یکی از این انتقادات، نظریه هنجارسازی (Theory of Normalization) است. این نظریه مربوط به دوران بعد از جنگ و ظهور جنبش‌های اجتماعی است و ریشه در نظریات انحراف اجتماعی و کارکردگرایی ساختاری دارد (۴).

مدل اجتماعی نگاهی کلان و کلی به وضعیت افراد دارای معلولیت دارد و معتقد است رویکردهای پیشین مبتلا به ایدئولوژی نظام سرمایه‌داری است. این مدل برخلاف مدل پزشکی و نظریه نرمال‌سازی، معلولیت را در محیط اجتماعی خود تبیین می‌کند. شکل‌گیری مبارزات اجتماعی افراد دارای معلولیت زمینه را برای عادلانه‌سازی فضاهای اجتماعی فراهم ساخت و آن‌ها توانستند به امتیازاتی دست یابند. یکی از فراگیرترین جنبش‌های اجتماعی در این حوزه، اتحادیه معلولان فیزیکی علیه تبعیض است که در سال ۱۹۷۴ تشکیل شد.

از دیدگاه مدل اجتماعی، معلولیت یک تفاوت است و نه یک اختلال. بنابراین معلول بودن بیانگر وضعیتی خنثی است و نه منفی. معلولیت یک امر واقعی است و محدودیت‌های خاص خود را دارد، اما نگاه به معلولیت محصولی اجتماعی است که

شهروندی معلولان، بر اساس اصل کرامت انسانی، چگونه قابل تبیین هستند؟

بدون شک، هر یک از مؤلفه‌های حقوق شهروندی ارتباط ناگسستنی با کرامت ذاتی انسان دارند، اما با توجه به دایره گسترده این قسم از حقوق، سه حق، «حق بر شهر، برخورداری از اشتغال و آموزش»، به جهت ارتباط وثیق این سه حق با یکدیگر از سویی و تأثیر شگرف آن‌ها بر زندگی اجتماعی و اقتصادی افراد دارای معلولیت احصا شده است. در این راستا پس از واکاوی جایگاه حقوق افراد دارای معلولیت بر مبنای کرامت انسانی آنان در نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی، به تحلیل وضعیت معلولان در بهره‌مندی از حق بر شهر، اشتغال و آموزش، خواهیم پرداخت.

روش

این مطالعه به روش مروری انجام شده و گردآوری داده‌های آن با شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی از مرور ۲۰ مقاله به زبان فارسی، حاصل از پژوهش‌های انجام‌شده در ایران که در دوره‌های ۹۹-۱۳۹۱ در مجلات معتبر علمی پژوهشی داخلی منتشر شده‌اند، داده‌ها پس از گردآوری با دقت از منظر هنجارهای اخلاقی تحلیل شده‌اند تا بتوان تضمین‌های حقوق شهروندی در حقوق داخلی ایران را در سه مؤلفه حق بر شهر، برخورداری از اشتغال و آموزش احصا و مورد کنکاش قرار داد. به موازات این رویکرد، قوانینی همچون، قانون اساسی، جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳، حمایت از معلولان مصوب ۱۳۹۶ و قوانین مصوب در حوزه مناسب‌سازی شهری بررسی شده است. از واژگان کلیدی کرامت انسانی، معلول، حقوق شهروندی، حقوق معلولان، حقوق شهروندی معلولان، استفاده شده است. این پژوهش از نوع مروری است و گردآوری اطلاعات آن با شیوه کتابخانه‌ای اسنادی از مرور ۲۰ مقاله به زبان فارسی، حاصل از پژوهش‌های انجام‌شده در ایران که در دوره‌های ۹۹-۱۳۹۱ در مجلات معتبر علمی پژوهشی داخلی منتشر شده‌اند، به دست آمده و توصیف و تحلیل شده‌اند.

در فرایند تعامل بین فرد و جامعه بر ساخته می‌شود. راهبرد اساسی برای از بین بردن مسائل و مشکلات افراد دارای معلولیت کنار گذاشتن پیش‌داوری‌ها و تصورات قالبی است که علت انزوای اجتماعی و نادیده گرفتن معلولان در نظام سیاستگذاری اجتماعی می‌شود (۵).

فرایند تعریف و دسته‌بندی معلولیت نیز مورد توجه مدل اجتماعی است. در واقع در درون این رویکرد دو موضع یعنی نگاه واقع‌گرایانه و نگاه برساخت‌گرایانه به معلولیت اساسی است. موضع واقع‌گرایانه مدل اجتماعی معلولیت را انکار نمی‌کند و شرایط وجودی و هستی‌شناختی آن را می‌پذیرد، اما معتقد است که فرایند تعریف معلولیت در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد (۶).

در نگاه برساخت‌گرایانه معلولیت یک موضوع گفتمانی است که در دوران حاکمیت نظام سرمایه‌داری شکل گرفته است. آن‌ها خطوط پیوند بین قدرت و دانش را در معلولیت ردیابی می‌کنند و آن را با منافع نظام سرمایه‌داری در جداسازی افراد معلول از افراد عادی جامعه گره می‌زنند. در واقع پزشکانه‌سازی معلولیت ادامه همان تبار دانشی است که انسان را موضوع مطالعه خود قرار داده است. خلاصه آنکه رویکرد اجتماعی به معلولیت بیان می‌دارد که در تعریف و حتی به کاربرد واژه باید حساس بود. برای مثال آن‌ها به جای کلمه معلول از عبارت توصیفی «افراد دارای معلولیت» استفاده می‌کنند که بخش اول این عبارت بیانگر برابری افراد و بخش دوم عبارت بیانگر متفاوت بودن آن‌ها در برخی ویژگی‌ها با دیگر افراد جامعه است، کما اینکه افراد ممکن است از لحاظ رنگ، زبان، قومیت، مذهب و... با هم متفاوت باشند. بنابراین مادامی که تصورات قالبی نسبت به افراد دارای معلولیت اصلاح نشود، نمی‌توان انتظار شرایط مساعد چه در حوزه تعاملات اجتماعی و چه در زمینه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی را داشت. مدل اجتماعی معلولیت زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که نشان می‌دهد معلولیت چگونه می‌تواند به عنوان یک مسأله اجتماعی تلقی شود و پیامدهای خاصی برای فرد معلول، خانواده او و جامعه داشته باشد.

مدل شهروندی که با عنوان مدل حق‌مدار شناخته شده است، معلولیت را یک پدیده ناشی از ساختار سیاسی - اجتماعی می‌داند. تفاوت اصلی این مدل با مدل اجتماعی در این است که تأکید اصلی آن بر مفهوم حق است و در نتیجه مفهوم معلولیت را به عناصر دیگری که به عنوان عناصر هویتی انسان‌ها شناخته می‌شوند و موضوع حقوق بشر قرار گرفته‌اند، مانند (رنگ، پوست، نژاد، جنسیت و ملیت) نزدیک می‌کند. «محدودیت‌های تحمیل شده به افراد دارای معلولیت را به عنوان تراژدی حقوق بشر برای گروه‌های انبوه توصیف کرده‌اند» (۳). دیدگاه حق‌مدار یا دیدگاهی که حقوق افراد دارای معلولیت را به عنوان حقوق شهروندی در نظر می‌گیرد، یک سری مشخصات و ویژگی‌های اصلی دارد. یکی از مشخصات این است که دیدگاه حق‌مدار، سؤال می‌کند، چه دلایلی وجود دارد برای آنکه یک گروه یا یک فرد خاص به عنوان گروه‌های اقلیت در جامعه تلقی بشوند و آسیب‌پذیر باشند. دلایل درازمدت اجتماعی این امر چیست؟ در درجه دوم دیدگاه حق‌مدار راهبردهایی را در نظر می‌گیرد که هم شکل بین‌المللی دارند و هم جزئیاتشان می‌تواند به تناسب شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور تغییر کند. این راهبردها بنا را بر این می‌گذارند که چطور از این راهبردها می‌توان برای احقاق حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت و از میان برداشتن تبعیض در جوامع مختلف استفاده کرد. امروزه حقوق شهروندی هم به مثابه هدف و هم معیار کیفیت زیستی جوامع و مشروعیت حکومت‌ها، اهمیت ویژه‌ای یافته است. وجه اکتسابی و تربیتی شهروندی نیازمند اقدام و توجه جدی حکمرانی شهری در بهره‌گیری از سیاست‌های شهروندسازی شهری برای تنظیم شکلی از روابط حاکمان با شهروندان و شهر است که بهترین شیوه زیست و مؤثرترین مواجهه را با مسائل پیچیده شهری امکان‌پذیر می‌سازد. شهروندی در معنای کامل و ایده‌آل آن نیازمند بهره‌مندی کلیه انسان‌ها فارغ از وضعیت جنسی، نژادی، سنی، مذهبی، سلامتی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن‌ها از حقوق و عمل به مسئولیت‌هایشان است.

۲. **کرامت انسانی در رویکرد کلان:** کرامت انسان ارزش فطری یا وجودی اوست که با ماهیت انسانیت وجود یافته و به عنوان مبنای فلسفی و اخلاقی حقوق انسان، به رسمیت شناخته شده است. اهمیت کرامت ذاتی انسان به حدی است که اسناد حقوق بشر در همان مقدمه و مفاد اصلی، به صراحت به آن اشاره کرده‌اند، همچنانکه در مقدمه منشور سازمان ملل متحد، مقدمه و ماده ۱، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقدمه میثاقین، مقدمه کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و... به کرامت ذاتی انسان توجه شده است. در نظام حقوق داخلی نیز، در مقدمه قانون اساسی، به آزادی و کرامت انبای بشر به مثابه سرلوحه اهداف قانون اساسی توجه شده و کرامت انسانی جزء مبانی اعتقادی نظام جمهوری اسلامی مطرح شده است (بند ششم اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)، توجه به کرامت انسان‌ها از نظر امکان فعالیت‌های اجتماعی در اصل سوم نیز قابل تأمل است. همچنین در اصل نوزدهم سخن از اصل اساسی منع تبعیض است و همگان بهره‌مند از حقوق مساوی دانسته شده‌اند. بر اساس اصل بیستم، همه افراد ملت یکسان هستند و در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.

نباید از نظر دور داشت که اگر کرامت انسانی در دوران قدیم به عنوان یک مفهوم در فلسفه اخلاق مطرح شده بود، در نظام بین‌الملل حقوق بشر و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به مثابه یک اصل حقوقی و نه اخلاقی مطرح شده است. تا جایی که می‌توان گفت، کرامت انسانی تنها اصل دستوری و هنجاری است که تقریباً هر حق قابل تصویری برای انسان می‌تواند از طریق آن توجیه شود. این برداشت از کرامت انسان، مبنای نیرومندی برای حقوق شهروندی فراهم می‌کند، مضاف بر این مفهوم و نهاد حق، در درجه نخست بر پایه اصل کرامت ذاتی انسان، توجیه شدنی است. به این معنا که انسان به این سبب که انسان است از آنچنان ارزش و موقعیتی برخوردار است که به هیچ روی نباید به آن تجاوز شود و حق‌ها برای پاسداری از این ارزش‌ها و موقعیت‌ها در کار هستند. این‌گونه

توجیه، به نوبه خود، به واسطه و از رهگذر اصل برابری انجام می‌شود. به عبارت روشن‌تر اصل برآمده از حق این است که انسان‌ها، فارغ از رنگ، نژاد، عقیده، جنس و... صاحب مجموعه‌ای از حقوق هستند. دلیل اینکه تمام انسان‌ها صاحب حق هستند، این است که آن‌ها با هم برابرند. هر انسانی به این سبب که انسان است دارای ارزش ذاتی است و نباید او را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دیگران قرار داد. این ادعا همان اصل کرامت انسانی است (۷).

۳. **کرامت انسانی مبنای حقوق شهروندی:** پایه و اساس حقوق شهروندی، بر مبنای کرامت انسانی شکل گرفته است. قوانین اساسی از جمله قانون اساسی ایران معیارهایی را در جهت بهره‌مندی از این حقوق بیان می‌دارند، اما این ملاک‌ها، به دلیل قانونی‌بودن و خصیصه ذاتی کلیت قانون سلیقه‌ای، دلبخواهی و خارج از ضوابط نیست. هیچ‌گاه و در هیچ دوره‌ای، نباید تصور کرد که درجات شهروندی از بین رفته است (۸). در سپهر حقوق شهروندی، این درجات از دایره عقل فردی، استدلالی و برهانی فراتر رفته و وارد حیطه عقل جمعی و مصلحت‌اندیشی کلی شده و در تعیین مصادیق حقوق شهروندی به نظریه «نسبیت حق‌های شهروندی» می‌رسیم.

درست است که نظریه‌های شهروندی در تفکر پیشامدرن، مدرن و پستمدرن آن وجود دارد. باید اذعان داشت که مؤلفه‌های مشترک مفهوم مزبور برخلاف حقوق بشر، از قدمت زمانی بسیاری طولانی برخوردار است و پیوسته بازتولید شده است (۹). با تشکیل دولت مدرن و با عرفی‌شدن جوامع، دین از ساحت اجتماع کنار نهاده شد و مدرنیته، حقوق دینی را متأثر کرد و در نتیجه موجب پیدایش حقوق مدرن شد. از این رو شهروندی جنبه‌ای از دین مدنی جامعه مدرن در نظریه قرارداد اجتماعی روسو است. باز به همین علت شهروندی با سابقه تاریخی خود یکی از مؤلفه‌های مدرنیته و مستلزم همه تحولات تضعیف‌کننده سنت است (۱۰). مفهوم شهروند با اجتماع سیاسی، دولت سرزمینی و حاکمیت پیوند خورده است و از این نظر ممکن است به اشتباه شهروندی را با ملیت

مساوی قلمداد کنند، در صورتی که رابطه آن‌ها عموم و خصوص من وجه است (۱۱).

مفهوم شهروندی را می‌توان هم به عنوان یک وضعیت و هم به عنوان مجموعه‌ای از حقوق تعریف کرد. این پیوستگی حق‌ها و وضعیت اتفاقی نیست. اهمیت سیاسی حق‌ها نیز ناشی از ماهیت اجتماعی وضعیت است. این وضعیت‌ها و جایگاه‌ها در قالب‌های حقوقی بروز پیدا می‌کنند و قوانین اساسی آنان را متجلی کرده و در پی آن حقوقی که مستلزم وضعیت‌های مختلف است، ذکر می‌شود. حقوقی که از طریق قانون شکل می‌گیرند، به حقوق قانونی موسوم هستند، یعنی برخلاف معدود اندیشمندانی همچون Bentham باید به حق‌های فراقانونی نیز اذعان داشت، البته علم و ابزار حقوق باید در پی حمایت از آن‌ها باشد. از این منظر از دو دسته حقوق اخلاقی و قانونی بحث می‌کنیم و حقوق شهروندی درصدد قانونی کردن حقوق اخلاقی است (۱۲).

تجربه وضعیت معلولان در جوامع شهری نشان می‌دهد، به دلیل محدودیت‌های ساختاری موجود، تنها شناسایی اصل برابری ممنوعیت تبعیض بر مبنای معلولیت، زمینه برخورداری افراد دارای معلولیت از حقوق انسانی و مشارکت فعال در امور شهری و اجتماعی را فراهم نمی‌کند و در راستای تحقق اصل برابری - که لازمه کرامت انسانی است - ضروری است که اقدامات و امتیازهای حمایتی ویژه‌ای در چارچوب قوانین یا سیاستگذاری‌ها به نفع معلولان انجام شود. بنابراین اگر افرادی در جامعه، به دلیل صفت‌های جسمی همچون ناتوانی، ضعف و... نتوانند از حقوق خویش به گونه‌ای برخوردار شوند که کرامت انسانی آنان حفظ شود، مسئولیت مدنی دولت و نظام قانونگذاری ایجاب و الزام می‌کند که اقدامات و سیاست‌هایی اتخاذ شوند که زمینه برخورداری آن‌ها را فراهم کنند.

۴. حقوق شهروندی معلولان بر مبنای کرامت انسانی: یکی از چالش‌های فراوری دولت در ایجاد عدالت اجتماعی و اعتلای حقوق شهروندان، مسأله بهره‌مندی آنان از حقوق شهروندی، بر مبنای اصل کرامت انسانی است. در این میان توجه به حقوق شهروندی آن دسته از شهروندانی که دچار

نقص و اختلال بوده و به دلایل گوناگون به حمایت‌های مضاعف نیاز دارند، در فرایندی نتیجه‌محور بر کیفیت ارائه خدمات عمومی در جامعه از سوی دولت و سنجش سطح حکمرانی خوب در سیستم حکومتی تأثیر مستقیم دارد. به تعبیر Jan Eliasson، رییس سوئدی مجمع عمومی سازمان ملل، «کیفیت جامعه را با چگونگی رفتار آن با آسیب‌پذیرترین شهروندان اندازه می‌گیرند» (۱۳).

در این راستا، یکی از اقدام‌های دولت ایران در جهت حمایت از حقوق معلولان به صورت عام و حقوق شهروندی آنان در معنای خاص آن، تصویب «قانون جامع حمایت از معلولین» در سال ۱۳۸۳ بوده است. صدر ماده ۱ قانون جامع حمایت از معلولان مقرر می‌دارد: «دولت موظف است زمینه‌های لازم را برای تأمین حقوق معلولان فراهم و حمایت‌های لازم را از آنان به عمل آورد» در اولین نگاه به صدر ماده ۱ مشخص می‌شود که این مطلب بیشتر جنبه آرمانی دارد. قانون جامع حمایت از معلولان دارای دیباچه نیست و اگر قرار می‌بود دیباچه‌ای داشته باشد، به احتمال قریب به یقین صدر ماده ۱ این قانون در دیباچه درج می‌گردید، زیرا از کلیت زیادی برخوردار است. محتوای قانون جامع حمایت از معلولان دلالت بر نگرانی‌های زیادی در حوزه حقوق شهروندی معلولان دارد که قانونگذار آن‌ها را مورد توجه قرار داده است. همچنین در «قانون حمایت از حقوق معلولان» مصوب ۱۳۹۶/۱۲/۲۰، به نحو کامل‌تری وظایف دولت و نهادهای ذی‌ربط نسبت به افراد دارای معلولیت در ده فصل، ذیل مناسب‌سازی، خدمات بهداشتی، امور ورزشی و فرهنگی، اشتغال و... ترسیم شده است. اگر بخواهیم به دغدغه‌های اصلی این دو قانون در چارچوب حقوق شهروندی معلولان، اشاره کنیم سه موضوع حق بر شهر، برخورداری از اشتغال و آموزش، خودنمایی می‌کند.

۴-۱. بهره‌مندی از حق بر شهر: یکی از بدیهی‌ترین موارد تبعیض نسبت به معلولین، اجحاف در بهره‌مندی آنان از مفهوم «حق بر شهر» است. بررسی این نکته که محیط شهری برای چه قشری از افراد ساخته شده است، نشانگر میزان ارتباط فرضیه‌های شهروندی با محیط است. شاید سخنی گزاف نباشد

اگر گفته شود که عدم امکان بهره‌مندی افراد دارای معلولیت از فضاهای شهری، نه به خاطر معلولیت آن‌ها، بلکه به لحاظ معلولیت اجتماع و ناتوانی آن در سازگاری امکانات فضاهای شهری با نیازهای این طیف از شهروندان جامعه است (۱۴). قانون جامع حمایت از معلولان مصوب ۱۳۸۳، به عنوان سندی جامع در احقاق حقوق این قشر، به این حق شهروندی معلولان توجه نموده است. ماده ۲ این قانون کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلاب را موظف کرده است تا به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی برای معلولان همچون افراد عادی فراهم شود. به این منظور کلیه نهادها و سازمان‌ها باید در طراحی تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و سایل خدماتی این موضوع را مورد توجه قرار داده، به نحوی که معلولین بتوانند از اماکن عمومی، ورزشی، تفریحی و... و وسایل خدماتی موجود بهره‌مند گردند. به همین جهت، برای

استفاده معلولان از این مراکز باید استانداردهای خاصی رعایت شود. عدم رعایت این استانداردها موجب خودداری شهرداری‌ها از صدور پروانه احداث و پایان کار برای واحدهایی می‌شود که این استانداردها را زیر پا گذاشته‌اند، در ضمن سازمان بهزیستی کشور مجاز است بر امر مناسب‌سازی ساختمان‌ها و اماکن دولتی و عمومی دستگاه‌های مذکور در ماده ۲ نظارت و گزارشات اقدام‌های آن‌ها را درخواست نماید. همچنین فصل دوم از قانون «حمایت از حقوق معلولان» مصوب ۱۳۹۶، در پنج ماده، کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی و انقلابی را موظف نموده است که در طراحی، تولید و احداث ساختمان‌ها و اماکن عمومی و معابر و وسایل خدماتی به نحوی عمل نمایند که امکان دسترسی و بهره‌مندی از آن‌ها برای افراد دارای معلولیت همچون سایر افراد فراهم گردد.

جدول ۱: اقدام‌های مدیریت توسعه شهری تهران برای حمایت از حقوق شهروندی معلولان (۳)

نهادهای اقدام‌کننده	اقدام‌های صورت‌گرفته
نهادهای دولتی	- قانون جامع حمایت از معلولان. - طراحی فضاهای ساخته‌شده عمومی و خصوصی برای معلولان جسمی و حرکتی. - ضوابط و مقررات شهرسازی و معماری برای افراد معلول جسمی و حرکتی.
نهاد طرح‌های توسعه شهری تهران	- نهاد مشارکت دولت و شورای اسلامی شهر و شهرداری تهران. - طرح ساماندهی فضاهای شهری برای معلولان و جانبازان. - مناسب‌سازی راه‌های شهری و پایانه‌ها برای حرکت معلولان و جانبازان.
شورای اسلامی شهر تهران	- ستاد مناسب‌سازی فضاهای شهری برای معلولان جسمی و حرکتی.
شهرداری تهران	- سیاستگذاری‌های مدیریتی (مناسب‌سازی معابر عمومی). - اقدامات برنامه‌ای ستادی (ایجاد تمهیدات لازم برای مسیر ویژه نابینایان در معابر پیاده). - اقدامات اجرایی شهرداری‌های مناطق (ایجاد معابر جهت معلولان و جانبازان).

رویکرد قوانین فوق مناسب‌سازی و ایجاد فرصت‌های برابر در بهره‌مندی معلولان از اماکن عمومی و در واقع بهره‌مندی آنان از حق بر شهر به عنوان یکی از حقوق شهروندی بوده است. منظور از مناسب‌سازی، اصلاح محیط و تدارک وسایل حمل و نقل است، به طوری که افراد معلول قادر باشند، آزادانه و بدون

خطر در محیط پیرامون خود اعم از اماکن عمومی، معابر، محیط شهری و ساختمان‌های عمومی حرکت کنند و از تسهیلات محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی با حفظ استقلال فردی لازم بهره‌مند شوند. هدف از مناسب‌سازی محیط شهری دستیابی افراد دارای معلولیت در جهت رسیدن

به استقلال نسبی و به عبارتی تساوی فرصت‌ها، عدالت اجتماعی و پیوستن تمامی افراد معلول به جامعه و ایجاد اجتماعی بدون مانع است (۱۵).

متأسفانه به رغم توجه مستمر و تصویب ضوابط و مقررات ذکر شده و تأکید مدام بر اجرای مقررات از سوی نهادهای ذی‌صلاح در امر صدور مجوزهای ساخت و ساز یا مجری طرح‌های عمومی و دولتی در سطح شهر، همچنان شاهد بی‌توجهی‌های مستمر و عامدانه نسبت به این مقررات در فرایند اداره شهر و گسترش ساختمان‌های فاقد استانداردهای لازم در جهت رعایت منافع و مصالح افراد دارای معلولیت هستیم. به نظر می‌رسد فقدان مرجع مستقل ملی جهت نظارت بر اجرای مقررات مذکور، بی‌توجهی دستگاه‌های فرهنگی به موضوع مناسب‌سازی و فرهنگ‌سازی در جامعه، فقدان برنامه‌ریزی منسجم، صحیح و قابل اجرا برای کلیه دست‌اندرکاران و آشفتگی‌های موجود در نظام‌های مدیریتی شهری ناشی از عدم تسلط بر اصول مدیریت شهر و احاطه بر مسائل و دانش روز در بین دستگاه‌های دولتی، ناآشنایی مهندسان و مشاوران و عوامل ساخت و ساز فیزیکی جامعه و کم‌توجهی سازمان نظام مهندسی به موضوع و عدم آگاهی و آشنایی کامل جامعه هدف نسبت به این بخش از حقوق شهروندی خود، از مهم‌ترین دلایل این نقص باشد.

۴-۲. حق برخورداری از شغل: یکی از مصادیق حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندی، حق بر اشتغال است. این حق از جنس حق مطالبه بوده و از تعهدات دولت‌ها است. به این معنا که دولت‌ها باید فرصت‌های برابر را برای تمامی افراد جامعه در دستیابی به مشاغل ایجاد نمایند و چنانچه ایجاد فرصت برابر در بخش دولتی که به عنوان مصداقی از حق بر شغل شناخته می‌شود، برای افراد فراهم شود، در این صورت دولت از افراد طلب خدمت کرده و اصطلاحاً استخدام نموده است. آنچه در این میان چالش‌برانگیز است، تضمین فرصت برابر برای همگان در دستیابی به مشاغل شایسته است. بند ۲ ماده ۲۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر در این خصوص مقرر می‌دارد که «هر کس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل

خود نائل آید» (۱۶). از سویی «اصل تأمین مادی» نیز حق کسب و داشتن شغل مناسب برای زندگی اشخاص را ایجاب می‌کند. چالش تضمین فرصت شغلی، برای گروهی از افراد که شرایطی متفاوت از عموم مردم دارند، وجهی دیگر دارد و آن برقراری برابری واقعی و تبعیض مثبت برای افراد دارای معلولیت و کم‌توانی است. در واقع کمترین حمایتی که جامعه باید از این گروه داشته باشد، تضمین حق اشتغال آنان است. دولت باید برابری را نه به مانند آنچه برای عامه مردم در نظر می‌گیرد، بلکه برابری ویژه با درک اقتضائات خاص آنان برقرار نماید. دولت‌ها باید در استخدام افراد دارای معلولیت امتیازها و اولویت‌های واقعی ایجاد کنند تا شاید کمی از خلأها و نواقص زندگی آنان جبران شود. در واقع قانونگذار باید با امعان نظر به حقوق شهروندی و اقتضائات خاص اجتماعی، نظامی قانونی در چارچوب حقوق شهروندی ترتیب دهد تا در این نظم نخست حق بر اشتغال معلولان تحقق و سپس تضمین شود. اگر حق بر اشتغال ماهیتی از نوع امتیاز داشته باشد، برای گروهی که بیش از دیگران عارضه بیکاری امنیت خاطر آنان را مشوش می‌کند، این امتیاز باید خصلتی ویژه به خود گیرد و جنبه حمایتی آن تقویت شود. این امتیاز بر مبنای نظری «تبعیض مثبت» که به اقلیت‌ها در برابر اکثریت‌ها اعطا می‌شود، استوار است تا در نهایت بتواند موجب ارتقای همبستگی اقلیت و اکثریت شود (۱۷).

قانون جامع حمایت از معلولان با دو ملاک جامعیت و محوری بودن موضوع حمایت از معلولان برای ارزیابی تأثیرگذاری، در خصوص حق بر اشتغال افراد دارای معلولیت تبعیض‌های مثبتی را برقرار نموده است. ماده ۷ در جهت کمک به اشتغال معلولین است و به همین دلیل دولت را موظف به ایجاد فرصت‌های شغلی برای افراد معلول می‌کند. مطابق این ماده دولت باید امکانات نسبت به اختصاص حداقل سه درصد از محورهای استعدادی (رسمی، پیمانی، کارگری) دستگاه‌های دولتی و عمومی اعم از وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و نهادهای عمومی و انقلابی و دیگر دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی کشور استفاده می‌نمایند را برای افراد معلول واجد

شرایط در نظر بگیرد. علاوه بر این دولت جهت به کارگیری افراد معلول تدابیر دیگری نیز اندیشیده است تا به این وسیله کارفرمایان را ترغیب به استخدام افراد دارای معلولیت نماید. این تدابیر بیشتر در قالب تسهیلاتی همچون پرداخت حق بیمه و پرداخت تسهیلات اعتباری به واحدهای تولیدی، خدماتی، عمرانی و صنفی که افراد معلول را به کار می‌گیرند، محقق می‌شود، در ضمن پرداخت تسهیلات اعتباری خوداشتغالی (وجه اداره شده) به افراد دارای معلولیت، پرداخت تسهیلات اعتباری جهت احداث واحدهای تولیدی و خدماتی اشتغال‌زا به شرکت‌ها و مؤسساتی که بیش از ۶۰ درصد سهام و سرمایه آن‌ها متعلق به افراد دارای معلولیت است و در نهایت اختصاص حداقل ۶۰ درصد از پست‌های سازمانی تلفن‌چی دستگاه‌ها، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی به افراد نابینا و کم‌بینا و معلولان جسمی، حرکتی و همچنین اختصاص حداقل ۶۰ درصد از پست‌های سازمانی متصدی دفتری و ماشین‌نویسی دستگاه‌ها و شرکت‌ها و نهادهای عمومی به معلولین جسمی، حرکتی، از جمله تسهیلات دیگری است که دولت برای این مهم در نظر گرفته است. همچنین فصل پنجم «قانون حمایت از حقوق معلولان» مصوب ۱۳۹۶، به کارآفرینی و اشتغال افراد دارای معلولیت، اختصاص یافته و از ماده ۱۰ تا ۱۶ این قانون بر مباحثی همچون پرداخت تسهیلات اعتباری، کمک هزینه ارتقای کارایی افراد معلول و مکلف نمودن دولت به در نظر داشتن سهمیه در مجوزهای استخدامی برای افراد دارای معلولیت، تمرکز نموده است.

مضاف بر این دو قانون، منشور حقوق شهروندی با ماهیت اجرایی و برنامه‌ای خود بهتر می‌تواند حق بر اشتغال افراد دارای معلولیت را عملیاتی نماید، البته منشور حقوق شهروندی به صورت مشخص به استخدام معلولان نپرداخته است، اما حق بر اشتغال و تضمین برابری فرصت صراحتاً از مواد ۷۷ و ۷۸ استنباط می‌شود. در ماده ۷۷ آمده است: «حق شهروندان است که آزادانه و بدون تبعیض و با رعایت قانون، شغلی را که به آن تمایل دارند، انتخاب نمایند و به آن اشتغال داشته باشند. هیچ کس نمی‌تواند به دلایل، قومیتی، مذهبی،

جنسیتی و یا اختلاف نظر در گرایش‌های سیاسی و یا اجتماعی این حق را از شهروندان سلب کند.» ماده ۷۸ نیز انعکاس‌دهنده ماهیت نسل دوم حقوق بشر و تکلیف ایجابی دولت‌ها در دستیابی به این حق است. «شهروندان از حق فرصت برابر در دسترسی به مشاغل و انتخاب آزادانه حرفه مورد نظر خود طبق موازین قانونی به گونه‌ای که قادر به تأمین معاش خود به صورت منصفانه و آبرومندانه باشند، برخوردارند. دولت شرایط مناسب را برای تحقق این حق تضمین و بر آن نظارت می‌نماید.» این مواد تکرار اصل ۲۸ قانون اساسی است: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح... نباشد، برای احراز مشاغل ایجاد نماید.» توضیح آنکه ماهیت منشور نه قانون عادی است و نه مقرر. بنابراین همچنانکه در مقدمه آن نیز آمده، ذیل اصل ۱۲۴ قانون اساسی، برنامه و خط مشی دولت تلقی می‌شود و معلولان هنگامی می‌توانند به مفاد این منشور در دیوان عدالت اداری استناد کنند که ماده ۷۷ و ۷۸ مستند قانونی داشته باشد. مستندات قانونی ماده ۷۷ اصول ۱۹، ۲۰ و ۲۸ قانون اساسی و برای ماده ۷۸ بند ۱۲ اصل سوم و بند ۲ اصل ۴۳ قانون اساسی است که مطابق بند «ت» ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، امکان استناد به اصول فوق در درخواست ابطال مصوبات به هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وجود دارد (۱۸).

در تصویب‌نامه «حقوق شهروندی در نظام اداری» مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۹ شورای عالی اداری، هرچند عنوان ماده ۱۱ به طور کلی «حقوق اشخاص توان‌خواه در برخورداری از امتیازات خاص قانونی» است، اما بندهای این ماده اشاره‌ای به تبعیض مثبت در استخدام افراد دارای معلولیت نداشته است و مناسب است نسبت به این حق برای افراد دارای معلولیت در بندهای مختلف این تصویب‌نامه اشاره شود تا دستگاه‌های اجرایی موظف به اتخاذ تدابیر قانونی و اجرایی گردند و نظام راهبری و نظارت (ماده ۱۸) و ضمانت اجراها (ماده ۱۹) تصویب‌نامه در جهت تضمین حق استخدام افراد دارای معلولیت قابل اعمال شود.

۴-۳. حق آموزش: آموزش ابزار رشد و شکوفایی جسم، روان و شخصیت انسان بوده و فرایندی است که به تعبیر یونسکو، طی آن چهار نوع یادگیری حاصل می‌شود: ۱- یادگیری برای زندگی کردن با یکدیگر؛ ۲- یادگیری برای دانستن؛ ۳- یادگیری برای انجام دادن امور؛ ۴- یادگیری برای بودن. از این رو حق آموزش گاهی با این توجیه که شکوفایی آزادی و اتونومی افراد و تحقق حقوق مدنی و سیاسی به آن وابسته است و شرط اساسی و ضروری برای تحقق حقوق مذکور می‌باشد و نیز گاهی با این استدلال که یکی از حداقل‌های رفاهی افراد و از شرایط اجتناب‌ناپذیر برای زندگی توأم با کرامت انسان است که تحقق آن فقط از مجرای دولت، ممکن می‌باشد، در زمره حقوق شهروندی قرار گرفته است (۱۹). شاید علت عمده این اهتمام را بتوان در نقشی که آموزش به عنوان ابزاری برای ارتقای سطح زندگی مردم ایفا می‌کند، جستجو کرد. با این وصف گزاف نیست اگر بهبود کیفیت نظام‌های آموزشی را معادل ارتقای کیفیت حیات و تمدن انسانی در همه ابعاد قلمداد کنیم و از سرمایه‌گذاری در جهت دستیابی به سیاست‌ها، اصول و روش‌های مناسب در این عرصه به عنوان ضروری‌ترین و مدبرانه‌ترین سیاست هر جامعه بشری یاد کنیم، چراکه حق مذکور موجبات دسترسی انسان‌ها به حق باسوادشدن، دانستن و حق تربیت‌شدن را پدید می‌آورد (۲۰). بر اساس یکی از رویکردهای نوین از توان‌بخشی معلولان تحت عنوان «توان‌بخشی جامعه‌محور»، آموزش در کنار سلامت، اشتغال، برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی و حمایت اجتماعی از اصول اولیه و اساسی در توانمندسازی این افراد است (۵)، بی‌شک آموزش و پرورش کودکان دارای معلولیت از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، زیرا این بخش از حیات فرهنگی آنان نقش بسیار مهمی در توانمندشدن، اشتغال و کشف استعداد و توانایی‌های آنان دارد. در واقع هدف مهم آموزش و پرورش کودکان معلول، مسلط کردن ایشان بر محیط پیرامونشان است. این مهم از طریق حق دسترسی به تحصیل بدون تبعیض، بهره‌مندی رایگان از تحصیل، رفتار با شؤونات انسانی با کودکان معلول در دوران تحصیل، تعهد نسبت به

رشد و آمادگی آنان در جهت بازگشت به جامعه برای یک زندگی مسئولانه مقدور می‌گردد. بخشی از تعهدات دولت نسبت به تحقق این حق شهروندی برای افراد معلول، به موجب قانون تصویب کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (در تاریخ ۱۳ آذرماه ۱۳۹۷) و تعهد تفصیلی ایران به پایبندی به این کنوانسیون شکل گرفته است، ماده ۲۴ کنوانسیون به موضوع آموزش می‌پردازد. ابتدای این ماده، دولت‌های عضو را متوجه مسأله تحقق این حق، بدون تبعیض و بر مبنای فرصت برابر نموده است و بیان کرده است که هر یک از دولت‌های عضو باید بتوانند نظام آموزشی فراگیری را در تمامی سطوح و به صورت آموزش مادام‌العمر برای معلولان تضمین کنند، البته بندهایی را به عنوان اجزای اصلی این نظام آموزشی مطرح کرده است، از جمله به توسعه کامل توانایی‌های انسان و حس منزلت و خود ارزشی و تحکیم احترام به حقوق بشر، آزادی‌ها بنیادین و تنوع انسانی و توسعه شخصیت، استعداد و خلاقیت توأم با توانایی‌های جسمی و ذهنی افراد دارای معلولیت تا نهایت توانمندی‌های آنان و توانمندساختن افراد دارای معلولیت جهت مشارکت مؤثر آنان در جامعه آزاد اشاره کرده است (۲۰). جدای از این تعهد بین‌المللی، در نظام حقوقی ایران نیز، تضمیناتی برای احقاق این حق کودکان معلول در نظر گرفته شده است، به عنوان مثال اصل ۳۰ قانون اساسی بیان می‌دارد که دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد. در این اصل، همه ملت صاحبان حق در دسترسی به آموزش و پرورش تلقی شده‌اند و هیچ‌گونه قید خاصی برای محدودکردن افراد آورده نشده است. با در نظر گرفتن روح قانون اساسی و اصل برابری همه در پیشگاه قانون (اصول ۱۹ و ۲۰)، معلولان اعم از کودک یا بزرگسال، نباید با مانعی در بهره‌مندی از حقوق شهروندی خود، به ویژه حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش رو به رو شوند و قوانین عادی باید به گونه‌ای تسهیل کننده دستیابی به این حقوق باشند. این اصول فراگیر، تمام محدودیت‌های نامعقول را از پیش پای ملت در برخورداری از حقوق و آزادی‌ها برداشته و راه را برای هرگونه توجیه

تبعیض آمیزی بسته است، لذا هیچ محدودیت قانونی برای آموزش و پرورش از نظر سن، جنس، مرام، مسلک و یا عقیده دینی یا مذهبی وجود ندارد (۲۱).

ماده ۱ آیین نامه اجرایی ماده هشت مصوب هیأت وزیران مفاهیم موجود در ماده هشت را به شرح زیر تبیین نموده است: ۱- معلول نیازمند واجد شرایط، معلولی است که نیازمند بودن وی به تأیید واحدهای ذی ربط در سازمان بهزیستی کشور رسیده باشد (بند «پ»); ۲- منظور از آموزش رایگان، معافیت معلول از پرداخت هزینه های آموزش مربوط می باشد. «آموزش» تمام مقاطع مختلف تحصیلی شامل مهد کودک (تا قبل از سن ورود به دبستان) ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، پیش دانشگاهی، عالی (دانشگاهی)، تخصصی و تکمیلی و آموزش مهارت های فنی و حرفه ای را شامل می گردد (بند «ت» و «ث»); ۳- واحدهای آموزشی تحت شمول آموزشی رایگان شامل کل واحدهای آموزشی وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی کشور، سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام نور، دانشگاه جامع علمی کاربردی، واحدهای آموزشی سایر وزارتخانه ها، سازمان ها، مؤسسات و شرکت های دولتی می گردد (بند «ج» ماده ۱ آیین نامه اجرایی ماده هشت).

با دقت در تعاریف فوق، روشن می گردد که در مقایسه با افراد عادی، افراد دارای معلولیت هم در بهره گیری از آموزش رایگان و هم در خصوص نوع واحدهای آموزشی از حقوق بیشتری برخوردارند (۲۲). همچنین ماده ۱۰ نیز موضوع کمک هزینه برای آموزش و حرفه آموزی معلولان را مطرح می کند و بیان می دارد که میزان کمک هزینه (یارانه) پرداختی سازمان بهزیستی کشور به مراکز غیر دولتی (روزانه و شبانه روزی) بابت نگهداری، خدمات توان بخشی و آموزشی و حرفه آموزی معلولان همه ساله به طور مشترک توسط سازمان بهزیستی کشور و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور وزارت بازرگانی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. نکته مثبت و ابتکاری قانون جامع، طرح مسأله مشارکت خانواده معلولان و

همکاری بخش غیر دولتی اعم از خصوصی، تعاونی و مؤسسات خیریه برای ارائه خدمات حمایتی، آموزشی و حرفه آموزی معلولان است.

با تطبیق تعهدات داخلی و بین المللی ایران در خصوص حقوق آموزشی معلولان، این نتیجه حاصل می شود که قانون جامع و آیین نامه های اجرایی آن با آنکه چند سال قبل از الحاق به کنوانسیون معلولان به تصویب رسیده اند؛ قسمت اعظم مندرجات کنوانسیون در خصوص آموزش را پوشش می دهد، حتی در برخی موارد حقوق بیشتری را در نظر گرفته است. به طور مثال کنوانسیون آموزش رایگان را فقط برای مقاطع ابتدایی و متوسطه الزامی ساخته، ولی بر اساس قانون جامع همان گونه که اشاره گردید، آموزش رایگان شامل مهد کودک، پیش دانشگاهی، عالی (دانشگاهی)، تخصصی و تکمیلی و آموزش مهارت های فنی و حرفه ای نیز می شود.

با وجود این در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران مواردی هست که مسکوت مانده است، از جمله می توان به بندهای «الف» تا «پ» بند ۳ ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت اشاره کرد که به موضوع تسهیل آموزش خط بریل و خط های جایگزین، تسهیل در یادگیری زبان اشاره، تضمین ارائه آموزش به کودکان نابینا، ناشنوا با استفاده از مناسب ترین زبان ها و شیوه هاست، هرچند این موارد توسط بهزیستی و مراکز وابسته به آن پیگیری می شود. بنابراین ضرورت دارد که قوانین و مقررات خاصی که تضمین کننده پایداری و تداوم آموزش های فوق باشند، وضع شوند

بحث

کرامت ذاتی انسان یکی از مهم ترین اصول نظام بین الملل حقوق بشر و زیربنای حقوق انسانی دیگر، همچون حقوق شهروندی است تا جایی که می توان گفت، کرامت انسانی، تنها اصل دستوری و هنجاری است که تقریباً هر حق قابل تصویری برای انسان بر مبنای آن قابل توجیه خواهد بود (۴). این نوع درک از کرامت انسانی، مبنای نیرومندی را برای حقوق شهروندی فراهم می کند، چنانچه در سال های اخیر با گسترش

یابند، وظیفه دولت‌هاست که با کاربست اقدام‌ها و راهبردهای حمایتی، حقوق شهروندی این قشر آسیب‌پذیر را تأمین و تضمین نمایند.

یکی از اقدام‌های دولت ایران در راستای حمایت از حقوق معلولان، تصویب «قانون جامع حمایت از معلولین» در سال ۱۳۸۳ است. از حیث تاریخی تصویب این قانون نسبت به زمان الحاق ایران به کنوانسیون حقوق اشخاص معلول ۲۰۰۶ تقدم دارد. تنظیم چنین قانونی در کشور ما به عنوان نقطه عطفی در نظام حقوقی ایران تلقی می‌شود. در واقع هدف از تصویب این قانون ترسیم ساختار حقوق معلولان فارق از ترحم و تبعیض بوده است. تبیین حقوق شهروندی معلولان نیز مستظهر به این قانون بوده است، چنانچه احصای حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت با تمرکز بر مؤلفه‌های «حق بر شهر، برخورداری از اشتغال و آموزش» مستند به مواد ۲ تا ۹ این قانون، ممکن خواهد بود. علیرغم نقاط قوت قانون جامع حمایت از معلولان، خلأهایی هم در آن مشهود است که باید رفع شود. شاید بتوان ادعا کرد که یکی از موضوعات مغفول در این قانون، کم‌رنگ‌بودن رویکرد حمایتی اجتماعی و قوت رویکرد حمایتی اقتصادی است. از سوی دیگر نیز نبود نظارت بر اجرایی‌شدن مفاد مذکور و حتی سایر اسناد مرتبط با منافع و حقوق معلولان در سطح شهری، از جمله نواقص موجود در این عرصه است.

نتیجه‌گیری

حقوقدانان در عصر حاضر معتقد هستند که کرامت انسانی مبنای حقوق شهروندی است، حتی فراتر از این، کرامت انسانی بستر اولیه و پایه نخستین هر نوع حق و تکلیفی است. از آنجا که افراد دارای معلولیت، به دلیل وجود موانع ساختاری، با محدودیت‌ها و محرومیت‌های جدی در برخورداری از حقوق شهروندی مواجه هستند تا حدی که کرامت انسانی آنان در معرض تهدید قرار می‌گیرد، ضروری است تا با اتخاذ رویکردهای حمایتی نسبت به تثبیت این قسم از حقوق مسلم آنان اقدام نمود. به همین جهت شاهد گسترش گفتمان جدید

گفتمان دموکراسی و حکومت‌های دموکراتیک، مباحث حول حقوق شهروندی، تغییرات محسوسی را تجربه کرده است. به نوعی که این مفهوم از یکسو اهمیت یافته و از سوی دیگر به چالش کشیده شده است. یکی از مصداق‌های این چالش، بحث از حقوق شهروندی افراد دارای معلولیت است.

شهروند دارای معلولیت، اگرچه در تئوری و روی کاغذ به شکل بالقوه یک «شهروند کامل» است، اما در عمل معلولیت او موجب می‌شود که با شهروندان غیر معلول تفاوت‌های زیادی داشته باشد که این تفاوت‌ها می‌تواند به شکلی نامحسوس و ضمنی موجب حذف او از «دایره شهروندی» شود. بخش اعظم این نقص ناشی از فقدان یک رویکرد اجتماعی کل‌نگر به معلولیت است، چراکه معلولیت بیش از آنکه یک مسأله فردی باشد، یک مسأله اجتماعی است، این در حالی است که معلولیت بیشتر در یک الگوی پزشکی مورد توجه صاحب‌نظران بوده است (۴). زمانی که معلولیت به عنوان یک مسأله اجتماعی شناسایی و ابعاد آن به خوبی معرفی شد، آن وقت می‌توان امیدوار بود که نظام اجتماعی آمادگی آن را پیدا کرده است که برای حل مسأله گام‌های مهمی را بردارد. بررسی وضعیت افراد دارای معلولیت در بسیاری از جوامع نشان می‌دهد که با وجود پذیرش و شناسایی بین‌المللی و داخلی اصل برابری به عنوان مهم‌ترین اصل حقوق عمومی و تعهد دولت‌ها به اجرای آن، همچنان وضعیت برخورداری افراد دارای معلولیت از حقوق شهروندی خود، نسبت به افراد دیگر جامعه، دارای کمبودها و کاستی‌های فراوانی است. توجه به همین امر و لزوم انجام اقدام‌های مؤثر در زمینه برخورداری افراد دارای معلولیت از حقوق خویش، سبب طرح رویکردهای حمایتی و اقدام‌های مثبت در زمینه شناسایی و تضمین حقوق شهروندی آنان شده است. در واقع باید شکاف میان معلولان و پیشرفت جامعه، روز به روز کم‌رنگ‌تر شود تا بتوان از قابلیت‌های آن‌ها در ارتقای کشور استفاده کرد و از سوی دیگر نیز حقوق آن‌ها را به عنوان یک شهروند تأمین نمود. بنابراین و بر مبنای «کرامت انسانی»، اگر افراد دارای معلولیت به هر دلیلی نتوانند به حقوقی که تضمین‌کننده کرامت انسانی آن‌ها باشد، دست

مشارکت نویسندگان

منصوره فصیح رامندی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می نماید که هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه های اخلاقی مطالعه کتابخانه ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

شهروندی بر مبنای کرامت انسانی، نسبت به گروه هایی با نیازهای خاص، از جمله معلولان هستیم. قوانین زیادی برای مقابله با تبعیض علیه معلولان به تصویب نهادهای بین المللی و ملی رسیده است. به عنوان مثال کنوانسیون حمایت از حقوق افراد معلول مصوب سال ۲۰۰۶ سازمان ملل متحد و قانون جامع حمایت از معلولان مصوب سال ۱۳۸۳، از این دست تضمینات هستند. غالباً ابزارهای اجرایی این قوانین ضعیف هستند و به اندازه قوانین مربوط به دیگر گروه های خاص، اما سالم، مانند زنان و کودکان، توجه کمتری به آنان مبذول می شود. با این حال، در چارچوب این گفتمان به نظر می رسد، تحقق حقوق شهروندی برای معلولان از دو جهت قابل پیگیری باشد: ۱- تقویت و توانمندسازی آنان در جامعه: افراد معلول به دلیل در اختیارنداشتن فرصت های برابر با دیگر افراد، هرگز نمی توانند از تمامی قابلیت های خود به خوبی استفاده کنند. هر آموزش، تصحیح رسانه ای یا تقویت سازمان های ویژه آنان که به این امر کمک رساند، می تواند موجبات این توانمندسازی را فراهم نماید؛ ۲- «ادغام آنان در جامعه»: این ادغام باید در همه سطوح جامعه صورت گیرد. به این معنا که تصور جامعه نسبت به آنان از افرادی «سربار» و «صاحب حقوق و فاقد وظایف» به افرادی برابر و با توانایی های خاص و متفاوت تغییر کند. در سطح شهر، امکان تحرک آنان فراهم شده، در سیستم آموزشی به آنان امکاناتی خاص برای تحصیل داده شود، کارفرمایان تشویق به استخدام آنان شوند و... .

در چارچوب همین گفتمان متأخر شهروندی، در عمل پیگیری این امور از طریق زیر امکان پذیر است:

- تصحیح تصویر رسانه ای از معلولان.
- فراهم آوردن امکانات خاص برای آنان در سطح اجتماع.
- تقویت برنامه ها و جنبش های خاص آنان.
- تحقق نمایندگی آنان توسط خودشان در سطح سیاست گذاری.
- توانمندسازی روحی و جسمی آنان در سطح فردی.

References

1. Ahmadi Sefidan H, Kazemzadeh A. The Study of the Islamic Revolution on Raising Public Awareness of Citizenship Rights and Human Dignity (Case Study: Students of Islamic Azad University, Tabriz Branch). *Journal of knowledge Studies in the Islamic University*. 2019; 23(2): 363-379. [Persian]
2. Hezarjaribi J, Amanian A. Women's awareness about citizenship rights and the effective factors on it. *Journal of Urban - Regional Studies and Research University of Isfahan*. 2011; 3(9): 1-18.
3. Gorji Azandariani AA, Shirzad Nazarloo Z. The Status of the Rights of Persons with Disabilities in the Field of Urban Rights. *strategic Studies of Public policy (strategic studies of globalization journal)*. 2018; 8(26): 137-163. [Persian]
4. Sadeghi Fassaei S, Fateminia MA. Disability, the Hidden Part of Society: A Sociological Study on the Status of Disability in Iran and the World. *Refah J*. 2015; 15(58): 159-194. [Persian]
5. Barnes CG. Cabbage syndrome: The social construction of dependence. Lewes: Flamer Press; 1990.
6. Eitzen D, Maxine S, Zinn B, Smith KE. *Social Problems*. Pearson Education, Inc. London: Allyn & Bacon; 2005.
7. Mosazadeh E, Keikha S. Human Dignity in Islam, the Basis of Supportive Strategy of Positive Discrimination for the Rights of the Disabled: A Model for Desirable Islamic Governance. *The Socio-Cultural Research Journal of Rahbord*. 2020; 9(34): 91-120. [Persian]
8. Sadeghkhan N, Ja'afari MJ, Ranjbar I. Analysis of Citizenship Rights in the Constitutionalism Era's Constitution and Islamic Republic of Iran' s Constitution. *Med Hist J. Special Issue on the History of Islam and Iran*. 2020; 12: 209-223. [Persian]
9. Javid MJ. *Theory of Relativity in Citizenship Law, an Analysis Based on Application in Natural Law*, Faculty of Law and Political Science. 1st ed. Tehran: Tehran University; 2008. [Persian]
10. Ajtahednejad Kashani S. Re-Interpreting Citizenship Rights in the Context of Iranian Modernity: A Case Study of "Yek-Kalameh" Treatise. *MLJ*. 2018; 12(46): 93-114. [Persian]
11. Kaldi A, Pourdehnad N. Studying Students' Level of Knowledge of and Attitudes Toward Citizenship Rights in Tehran. *Urban Study*. 2012; 2(4): 29-57. [Persian]
12. Abasighaleshahi A, Fanaei A. Civil Rights from the Moral Point of View. *Human Rights*. 2021; 16(1): 115-147. [Persian]
13. Eliyason Y. We Should recall that the quality of a Society is Ultimately, determined by how it deals with and Treats its Most Vulerable Citizens in: UN. No Place: No Name; 2007. Available at: <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=51104#.WO3rxGsVTIU> Citizenship.
14. Emami M, Koroosh O. *Administrative law*. 20th ed. Tehran: Mizan Publications; 2016. [Persian]
15. Toutounchian M, Emam SMR, Khazaei AR. Investigating Citizen's Economic Rights and its Contradiction with Public Interest in Light of Imam Khomeini's View. *Iran J Med Law*. 2018; 12(46): 155-175. [Persian]
16. Hadavand M, Mashhadi A. *Principles of Administrative Law (In light of the Decision of the Court of Administrative Justice)*. Tehran: Khorsandi Publications; 2011. [Persian]
17. Nejati Hosaini M. *The Position of Citizens in the Discourse of Councils*. Tehran: Publications of The Municipality Organization of Iran; 2006. [Persian]
18. Freeman M. *Article 3: The best interests of the child*. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers; 2007.
19. Fasih M. *Cultural rights in Iran and International Documents*. Tehran: Pazhoheshgah Farhang Publications; 2015. [Persian]
20. Ghasemzadeh R, Kamali M, Fallahi Khoshknab M, Ghanbari S. Right to Access to the Public Facilities as a Felt Need of the Persons with Disabilities. *Refah J*. 2010; 10(36): 313-335. [Persian]
21. Hashemi SM. *IRI principal law*. Tehran: Mizan Publications; 2005. [Persian]
22. Ghqri Seyed Fatemi M. *Human Rights in the Contemporary World*. Tehran: Danesh City Research Institute; 2010. [Persian]